

درگذشتگان

حجة الاسلام نجفی اصفهانی

حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی مجد الاسلام نجفی اصفهانی، یکی از عالمان اصفهان به شمار بود. فقید سعید در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۵ ش (۱۳۵۶ ق) در اصفهان در بیت علم و تقوا زاده شد.

پدرش آية الله حاج شیخ مجدالدین (م ۱۴۰۳ ق) صاحب «الیواقیت الحسان فی تفسیر سورة الرحمن»، و او فرزند علامه بزرگ آية الله شیخ ابوالمجد محمد رضا اصفهانی (م ۱۳۶۲ ق) صاحب «وقایة الاذهان» و او فرزند آية الله شیخ محمد حسین نجفی (م ۱۳۰۸ ق) صاحب «مجدالبیان فی تفسیر القرآن»، و او فرزند آية الله شیخ محمدباقر نجفی (م ۱۳۰۱ ق) صاحب «لب الفقه» و «لب الاصول» و او فرزند آية الله شیخ محمدتقی رازی اصفهانی (م ۱۲۴۸ ق) صاحب «هدایة المسترشدین» بود.

معظم له دوران کودکی را در دامان پاك پدر و مادر با کمالش گذرانید و پس از آن به تحصیل علوم دینی روی آورد. شرایع و شرح لمعه و مطول را نزد شیخ امان الله قودجانی و شرح منظومه را از ملا فرج الله درّی آموخت. در سال ۱۳۳۴ ش برای تحصیل علوم دانشگاهی به تهران مهاجرت کرد و در کنار

آن، رسائل و مکاسب را در مدرسه سپهسالار از مرحوم محسنی دمانندی فراگرفت و همزمان از دانشکده معقول و منقول، موفق به اخذ درجه لیسانس و استفاده از مجلس درس اساتید بزرگوار: الهی قمشه ای، مشکاة بیرجندی، راشد، محدث ارموی، میرزا خلیل کمره ای، مهدی حایری یزدی، سید محمدباقر سبزواری و دیگران گردید. در سال ۱۳۳۸ ش به زادگاهش بازگشت و به تدریس در دبیرستان ها و مراکز تربیت معلم و پرورش شاگردان فراوان و همزمان شرکت در درس های فقه و اصول حضرات آیات: میر سید علی بهیانی و پدرش شیخ مجدالدین نجفی اصفهانی پرداخت و بهره های بسیار برد. پس از درگذشت پدر بزرگوارش در مهرماه ۱۳۶۲ ش، به جای ایشان در دو مسجد مهم اصفهان-مسجد نو بازار و مسجد جامع عباسی- به اقامه جماعت و بیان احکام الهی و تفسیر قرآن پرداخت و علاوه بر آن به تجدید ساختمان مسجد نو- که از یادگارهای ارزنده جدش آية الله شیخ محمدباقر اصفهانی است- و بنیاد کتابخانه ای آبرومند در کنار آن همت گماشت. از اقدامات ارزنده اش، تجدید چاپ و تحقیق کتاب های نیاکانش بود که بدان اشاره خواهد شد.

برخی از تألیفات معظم له عبارتند از:

۱. ادبیات عرب در صدر اسلام؛
 ۲. درس هایی از جهان بینی اسلامی؛
 ۳. دستور زبان فارسی؛
 ۴. حقوق اسلامی؛
 ۵. حاشیه بر تلخیص المفتاح خطیب قزوینی (در علوم بلاغت)؛
 ۶. فیض الباری الی قرّة عینی الهادی (اجازه روایتی مفصلی است که به فرزندش عطا نموده است)؛
 ۷. مجموعه مقالات؛
 ۸. مقدمه بر رساله امجدیه، وقایة الاذهان، دیوان ابی المجد (هر سه از تألیفات جدش آية الله شیخ ابوالمجد اصفهانی)، الیواقیت الحسان (از تألیفات پدرش شیخ مجدالدین نجفی اصفهانی)، هدایة المسترشدین (از تألیفات جد اعلاش شیخ محمدتقی رازی اصفهانی)، الف حدیث فی المؤمن (از تألیفات فرزندش شیخ هادی نجفی) تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان (از تألیفات سید مصلح الدین مهدوی).
- آن مرحوم در ظهر روز پنجشنبه ۲۳ ماه صفر ۱۴۲۲ ق (۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۰ ش) در ۶۵ سالگی، به هنگام رفتن به مسجد بدرود زندگی گفت و پیکر پاکش صبح روز جمعه پس از تشییع شایسته و نماز آية الله حاج شیخ

محمدتقی مجلسی بر آن، در کتابخانه مسجد نو بازار به خاک سپرده شد.

*

آیةالله مروج

حضرت آیةالله حاج شیخ بیوک خلیل زاده مروج، یکی از اعظام علمای اردبیل و نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه اردبیل بود.

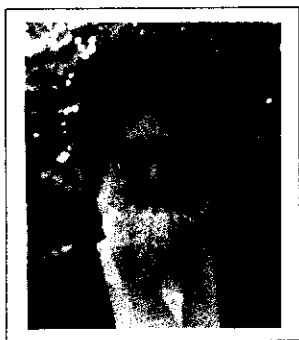
فقیه سعید در ۱۶ صفرالخیبر ۱۳۴۹ ق (۲۷ شهریور ۱۳۰۹ ش)، در اردبیل، در خانواده ای مؤمن و متدین زاده شد. پدرش حاج محمدرضا از کسبه بازار و علاقه مند به اهل علم بود که فرزندش را به تحصیل علوم دینی تشویق کرد. وی پس از تحصیلات ابتدایی، به مدرسه ملا ابراهیم رفت و مقدمات را نزد آقا شیخ غفور عامکی اصل، منطق را نزد ملا یعقوب مدرس و شرح لمعه و شرح تجرید و شمسیه را در محضر ملامحسن و میرزا مهدی عالم فرا گرفت. در ۱۷ سالگی (۱۳۲۶ ش)، به توصیه استادش به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و سطوح عالی (رسائل و مکاسب) را نزد حضرات آیات: سلطانی طباطبایی و مجاهدی تبریزی (رسائل)، میرزا احمد کافی تبریزی و شیخ عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی (مکاسب)، شیخ محمد لاکانی و علامه طباطبایی (شرح منظومه) را آموخت و در ۲۰ سالگی اش نیز به لباس مقدس روحانیت درآمد. در سال ۱۳۳۰ ش به مشهد مقدس رفت و کفایة الاصول را از حضرات آیات: سید یونس اردبیلی، شیخ هاشم قزوینی و شیخ غلامحسین تبریزی آموخت و پس از آن به درس خارجه فقه و اصول آیةالله العظمی سید یونس اردبیلی حاضر شد و مورد توجه ایشان قرار گرفت، تا آن جا که از او برای ماندن همیشگی در مشهد دعوت کرد؛ اما آن مرحوم در سال ۱۳۳۳ ش به حوزه علمیه قم بازگشت و به شرکت در درس های حضرات آیات عظام: بروجردی، محقق داماد و اندکی هم درس امام خمینی حاضر شد و مبانی علمی اش را استوار کرد.

اقدام کرد و تمام تألیفات آن فقیه محقق را با همت عالی خود، منتشر ساخت.

سرانجام آن عالم خدمتگزار در ۷۱ سالگی، در سحر روز دوشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۸۰ ش (۲۱ محرم الحرام ۱۴۲۲ ق) چشم از جهان فرو بست و به موالیان طاهرینش پیوست. با اعلام خبر وفاتش، در استان اردبیل عزای عمومی اعلام و پیام های تسلیت متعدد از سوی مراجع تقلید و مقام معظم رهبری و مقامات عالیله نظام صادر شد و پیکر پاکش با حضور صدها هزار نفر از مردم متدین استان و روحانیت معظم و نمایندگان مراجع تقلید، با تشییعی شایسته و باشکوه - که در شهر بی نظیر و کم سابقه بود - و پس از نماز آیةالله مشکینی بر آن، در گلزار شهدای شهر به خاک سپرده شد.

*

آیةالله بحر العلوم



فقیه و عالم بزرگوار حضرت آیةالله حاج سید حسین طباطبایی بحر العلوم، یکی از مراجع تقلید و از فقهای مشهور نجف اشرف به شمار بود. معظم له در سال ۱۳۴۸ ق، در نجف اشرف در بیت علم و فقاهاست و مرجعیت دیده به جهان گشود. پدرش آیةالله سید محمدتقی بحر العلوم (۱۳۱۸-۱۳۹۳ ق) از مراجع تقلید نجف و از شاگردان مشهور میرزای نائینی، آقاضیاء عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی و او فرزند آیةالله سید حسن بحر العلوم (۱۲۸۲-۱۳۵۵ ق) از شاگردان: شیخ الشریعه اصفهانی و سید

سپس معظم له به زادگاهش بازگشت و به خدمات علمی و دینی از قبیل اقامه جماعت (در مسجد میرزا علی اکبر و نواب صفوی)، وعظ و ارشاد، تدریس، رسیدگی به امور مردم و رفع دعاوی، تأسیس کلاس های آموزشی و عقیدتی، راه اندازی کتابخانه مهدیه، صندوق قرض الحسنه امام سجاد، درمانگاه حسینیه و صندوق پستی ۵۸ برای پاسخگویی به سؤالات مردم پرداخت و در این راه توفیق فراوانی به دست آورد. آن مرحوم به همراه علمای شهر به ویژه آیةالله مسائلی و آیةالله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، به فعالیت های فراوان علیه رژیم پهلوی پرداخت و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرد. او و دوستان گرامی اش، محور و فعالیت های انقلابی بودند و با بخش اعلامیه های امام و سخنرانی های آتشین، عرصه را بر رژیم استبدادی تنگ کرده بودند و به همین دلیل، ایشان در سال های دهه ۱۳۵۰ ش، ممنوع المنبر شده بود. به رغم همه مشکلات، دست از اقدامات آگاهی بخش خویش بر نمی داشت. در آستانه پیروزی انقلاب، نقش ایشان در نظارت و حفاظت و امنیت شهر و صیانت جوانان از فرفاقتان در گرداب گروهک های منحرف، چشمگیر بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی امام خمینی به عنوان امام جمعه اردبیل برگزیده شد و با جدیت تمام در پاسداری از دستاوردهای انقلاب کوشید و از سوی مردم اردبیل، به نمایندگی مجلس خبرگان رهبری در چند دوره نیز انتخاب شد. او موفق شد چند مدرسه علوم دینی، کتابخانه و مجتمع فرهنگی - مذهبی مصلی بنیاد نهد و گروه بسیاری از طلاب علوم دینی را پرورش داد. در جریان جنگ تحمیلی، بارها و بارها به جبهه های نبرد شتافت و با کمک ها و سخنرانی های خود شور فراوانی را در رزمندگان اسلام ایجاد کرد. فقیه سعید در سال ۱۳۷۵، به تشکیل کنگره محقق اردبیلی

محمد کاظم یزدی و شیخ عبداللہ مازندرانی، و او فرزند علامہ ادیب مفضل سید ابراہیم بحر العلوم (۱۲۴۸-۱۳۱۹ق) و او فرزند آیۃ اللہ سید حسین بحر العلوم (۱۲۲۱-۱۳۰۶ق) از شاگردان معروف شریف العلماء مازندرانی و صاحب جواهر، و او فرزند آیۃ اللہ سید محمدرضا بحر العلوم (۱۱۸۹-۱۲۵۳ق) از شاگردان پدر بزرگوارش و شیخ جعفر کاشف الغطاء و شیخ محمدتقی ملاکتاب، و او فرزند سید الطائفہ آیۃ اللہ العظمی سید محمد مہدی بحر العلوم (۱۱۵۵-۱۲۱۲ق) بود کہ شرح حال و خدمات این بیت جلیل در تمام کتاب های تاریخ و تراجم شیعه آمده است. (ر.ک: مقدمہ رجال السید بحر العلوم، ج ۱، ص ۲۰۰)

فقید سعید، دوران کودکی را در دامان پاک پدر و مادر بزرگوارش گذرانید و پس از آن، بہ تحصیل علوم دینی روی آورد. او در آغاز در متدی النشر ادبیات و عقاید و سطوح را نزد اساتید بزرگواری چون: شیخ محمدرضا مظفر، شیخ محمدتقی ایروانی، شیخ علی ثامر و شیخ محمد شریعت فرا گرفت و پس از آن سطوح عالیہ را نزد حضرات آیات: میرزا علی فلسفی و سید احمد اشکوری (شرح لمعہ)، سید محمد روحانی و شیخ عبدالحسین رشتی (مکاسب)، شیخ مجتبی لنگرانی (رسائل)، شیخ محمد امین زین الدین (کفایہ و شرح تجرید) میرزا حسن یزدی (طہارت شیخ) و شیخ محمد طاهر آل راضی (شرح منظومہ) آموخت. در ۲۳ سالگی بود کہ از تمام دروس سطح فراغت جست و بہ درس خارج اصول آیات عظام: میرزا حسن بجنوردی، میرزا باقر زنجانی و آیۃ اللہ خوبی و بہ درس خارج فقہ پدر بزرگوارش آیۃ اللہ سید محمدتقی بحر العلوم، و آیۃ اللہ حکیم و آقای خوبی حاضر شد و مبانی علمی اش را استوار ساخت. او ہمزمان با تحصیل، بہ تدریس و تألیف و نظم اشعار و تأسیس مؤسسات عام المنفعہ پرداخت. در ایام تعطیل حوزہ بہ تدریس تفسیر و کلام و ادب، و تألیف و تحقیق اشتغال داشت و از آثار

مانند گارش بنیاد «مکتبۃ العلمین» - برای تحقیق و چاپ و امدای کتاب های شیعی - و تأسیس «جامع الشیخ الطوسی» - بہ دستور پدر بزرگوارش - می باشد.

فقید سعید، پس از وفات آیۃ اللہ العظمی خوبی، با فشارهای گوناگون از جانب رژیم بعثی عراق مواجہ شد؛ اما ہیچ گاہ سر تسلیم در مقابل آنان فرود نیاورد. با این کہ گروهی از اقوام و خویشان و نزدیکانش را پس از انتفاضہ نیمہ شعبان ۱۴۱۲ق، دستگیر و زندانی کردہ بودند و او ہم ہمارہ در معرض تہدیدہای رژیم دہمنش عراق بود، در مقابل تہدیدہا و تطمیع های رژیم ایستادگی کرد تا آن کہ با مرگی مشکوک بہ دیدار خدا و ملاقات اجداد ظاہرینش شتافت.

وی در نجف اشرف و سایر مناطق شیعه نشین عراق بہ عنوان یکی از مراجع تقلید مطرح بود و مسجد شیخ طوسی - کہ مزار جدش سید بحر العلوم و پدرانش ہم ہست - را بہ عنوان پایگاہ درس و بحث و نماز جماعت خویش برگزیدہ بود و محل اجتماع مردم متدین و خانہ امید بسیاری از آرزومندان گردیدہ بود.

تألیفات چاپ شدہ اش عبارتند از:

۱. تحقیق کتاب «تلخیص الشافی» شیخ طوسی (ج ۴)؛
۲. تحقیق کتاب «الفوائد الرجالیۃ» سید بحر العلوم (ج ۴) با همکاری عمویش: آیۃ اللہ سید محمد صادق بحر العلوم؛
۳. تحقیق کتاب «مقتل الحسین» سید محمدتقی بحر العلوم؛
۴. الجہاد فی الاسلام؛
۵. وجیزۃ الاحکام (رسالہ عملیہ)؛
۶. زورق الخیال (دیوان شعر)؛
- و آثار غیر چاپی اش ہم عبارتند از:
۷. تقریرات درس فقہ آیۃ اللہ سید محمدتقی بحر العلوم (شرح تبصرہ علامہ)؛
۸. تقریرات درس اصول آیۃ اللہ خوبی؛
۹. شرح منظومہ فقہی سید بحر العلوم؛
۱۰. شرح دیوان سید بحر العلوم؛
۱۱. شرح دیوان جدش سید حسین بحر العلوم؛

۱۲. شرح دیوان جد دیگرش سید ابراہیم بحر العلوم؛

۱۳. ریاض و جمیلۃ (نمایشنامہ شعری)؛

۱۴. کل شیخ (مجموعہ ادبی)؛

۱۵. ادب الطف؛

۱۶. جعفر الطیار؛

۱۷. حاشیہ بر شرح تجرید.

سرانجام آن فقید خدمتگزار دین، در صبح جمعہ ۲۹ ربیع الاول ۱۴۲۲ق (۱ تیر ۱۳۸۰ش) در ۷۳ سالگی، بر اثر مرگی مشکوک در نجف اشرف در گذشت و رژیم عراق پیکر پاکش را بی درنگ و بدون ہرگونہ تشییع و مجالس بزرگداشت، مظلومانہ و غریبانہ در مسجد شیخ طوسی بہ خاک سپرد.

*

آیۃ اللہ محمدی ہیدجی



دانشمند بزرگوار مرحوم آیۃ اللہ حاج شیخ عبدالرحمن محمدی ہیدجی در سال ۱۳۴۴ق (۱۳۰۴ش) در ہیدج - ۷۵ کیلومتری زنجان - در خانوادہ علم و تقوا بہ دنیا آمد. پدرش حاج میرزا عبدالعظیم و نیایش حاج ملا فتح اللہ و عموی پدرش آیۃ اللہ حاج میرزا عبدالرحیم فقہتی (صاحب کتاب القضاء) ہمگی از علمای منطقہ ہست و نسب آنان - مطابق شہادت شیخ بہایی - بہ صحابی جلیل القدر امیر المؤمنین (ع) مالک اشتر نخعی می رسد. معظم لہ، مقدمات و ادبیات را در زادگاہش نزد ملا محمد حسین فحیمی فرا گرفت و پس از آن در سال ۱۳۶۱ق بہ حوزہ علمیہ قم آمد و سطوح را نزد حضرات آیات: سید شمس الدین کاظمی ہیدجی و

شیخ موسی عباسی زنجانی و دیگران فراگرفت و پس از آن به درس خارج آیات عظام: آقای بروجردی و حجت کوهکمری حاضر شد و مبنای علمی اش را استوار ساخت. در سال ۱۳۷۷ق، بنا به درخواست اهالی محل و دستور آیه الله بروجردی به زادگاهش بازگشت و اداره مدرسه علمیه را بر عهده گرفت و به تدریس علوم دینی و تأسیس کتابخانه مدرسه و اقامه جماعت (در مسجد حاج محمد و مسجد صاحب الزمان) پرداخت. در سال ۱۴۰۰ق به قم آمد و به تدریس سطوح و تألیف کتب پرداخت. آن مرحوم از غالب آیات عظام قم و نجف اجازه روایت و امور حسبه داشت و در فقه و حدیث و تاریخ و شعر و ادب دارای دستی توانا بود. تألیفات چاپ شده اش عبارتند از:

۱. الحجة علی فصل الخطاب فی ابطال القول بتحریف الکتب؛
۲. النسب و فروعه الفقهية؛
۳. درة التاج فی حقیقة المعراج (فارسی)؛
۴. اندیشه های روشن (حکایات تاریخی)؛
۵. ارزنده ترین میراث (وصیتنامه)؛
- و کتاب های غیر چاپی اش نیز عبارتند از:
۶. حسن الثواب فی تفسیر فاتحة الکتب؛
۷. هادی السفینة الی البحار (۳ج) (تطبیق سفینه بر بحار قدیم و جدید)؛
۸. عوض البحار ولآلیها (منتخب بحار الانوار)؛
۹. تجرید البحار عن سوی الاحادیث والاخبار؛
۱۰. مشایخ الاجازات؛
۱۱. اساس کامیابی (نامه سرگشاده امام صادق (ع) به جماعت شیعه)؛
۱۲. عوامل صلاح و فساد؛
۱۳. مکتب درختان؛
۱۴. تازه خرمسای طبق (دیوان شعر فارسی و ترکی)؛
۱۵. زنده های خاموش و روان های بیدار؛
۱۶. وقایع الایام؛
۱۷. شرح حال حکیم هیدجی؛
۱۸. انتقادات اخلاقی؛
۱۹. عهد پدری (شرح وصیتنامه امام

علی به فرزندش، نامه ۳۱ نهج البلاغه)؛
 ۲۰. حل المسائل فی ترکیب العوامل؛
 ۲۱. چهل حدیث مسند در اخبار آخر الزمان؛
 ۲۲. چهل حدیث مرسل در اخبار ملاحم. سرانجام آن دانشمند عالیمقام، در شامگاه عید غدیر ۱۴۲۱ق (۲۴ اسفند ۱۳۷۹ش) در ۷۵ سالگی زندگی را بدرود گفت و پس از تشییع و نماز آیه الله حاج سید صادق روحانی بر پیکرش، در قبرستان ابو حنین به خاک سپرده شد.

آیه الله احسانبخش



حضرت مستطاب مرحوم آقای حاج شیخ صادق احسانبخش، معروف ترین عالم رشت و امام جمعه و نماینده رهبری در استان گیلان به شمار بود.

فقید سعید در سال ۱۳۰۹ش در روستای «لیفشناگرد» ۱۹ کیلومتری رشت. در خانواده ای متدین و کشاورز دیده به جهان گشود. تا شهریور ۱۳۲۰ در روستا به مکتب می رفت و پس از آن به «تولم شهر» آمد و در سال ۱۳۲۳ش به تحصیل علوم دینی روی آورد. ادبیات را نزد مرحوم شیخ ابوطالب مدرس، سیوطی و حاشیه و شمسیه و مطوک را نزد مرحوم آیه الله شیخ علی علم الهدی و جامی و شرح رضی را در محضر آیه الله شیخ کاظم صادقی و شرایع را هم نزد آیه الله سید حسن بحر العلوم فراگرفت.

در سال ۱۳۲۷ به حوزه علمیه قم آمد و در محضر حضرات آیات: شهید صدوقی و منتظری (شرح لمعه)، لاکانی (قوانین)، مرعشی نجفی (مکاسب)، مجاهدی تبریزی

و فقیهی گیلانی (کفایه)، شیخ مهدی مازندرانی و تبولی و لاکانی (رسائل)، علامه طباطبایی (شرح تجرید و اسفار) و آقارضا صدر و فکور یزدی (شرح منظومه) سطوح را فراگرفت. سپس در سال ۱۳۳۱ش به درس فقه و اصول آیه الله بروجردی و فقه آیه الله لنگرودی و اصول امام خمینی حاضر شد و مبنای علمی اش را استوار ساخت، و همزمان به تحصیل الهیات در دانشگاه تهران پرداخت و در ۱۳۳۵ به اخذ سه لیسانس (الهیات، حقوق و علوم سیاسی) نائل آمد. در سال ۱۳۴۰، به دعوت مرحوم آیه الله ضیابری به زادگاهش بازگشت و با همکاری جمعی از فرهنگیان خوش نام- گروه فرهنگی ابوریحان- شامل دبستان، راهنمایی و دبیرستان دین و دانش- را تأسیس کرد و بسیاری از نوباگان و جوانان مسلمان را با فرهنگ اسلامی آشنا و تربیت نمود.

مرحوم احسانبخش علاوه بر ریاست و تدریس دبیرستان دین و دانش، به تدریس ادبیات عرب و شرح لمعه در حوزه علمیه رشت پرداخت و با اوج گیری نهضت اسلامی مردم ایران در سال ۱۳۴۲، به تبلیغ مبنای حضرت امام در مسجد و مدرسه خویش پرداخت و معلمان و دانش آموزان و مردم مسلمان را با افکار بلند امام راجل آشنا ساخت. او در مدرسه اش اعلامیه های امام را تکثیر می کرد و همه جا منتشر می ساخت، لذا چندین بار به ساواک احضار شد و در سال های ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ ممنوع المنبر و ممنوع الخروج شد و در سال ۱۳۵۷ نیز دستگیر و در زندان اوین، زندانی گردید تا پس از عید فطر آزاد شد؛ اما تهدیدها و هجوم های مأموران رژیم ستمشاهی به خانه و مدرسه اش بارها ادامه یافت.

او پس از پیروزی انقلاب، نقش اساسی در حفظ امنیت و اداره شهر و کمک رسانی به مردم بر عهده داشت و در سال ۱۳۵۹ش به نمایندگی امام در استان گیلان و امامت جماعت رشت، و در ۱۳۶۲ش به نمایندگی مردم استان در مجلس خبرگان رهبری

برگزیده شد. وی در سال ۱۳۶۱ نیز مورد خشم دشمنان اسلام (متأقین) قرار گرفت و به سختی مجروح شد، که به خواست خدا شفا یافت؛ ولی صدها ترکش از آن انفجار در بدنش باقی ماند و افتخار جانبازی ۷۰ درصد را از آن خود کرد. او علاوه بر فعالیت های اجتماعی و انقلابی خویش، به خدمات دینی همچون: تدریس، تألیف، اقامه جماعت (در مسجد کاسه فروشان)، تفسیر قرآن و بنیاد ساختمان های عام المنفعه، مانند مصلی بزرگ امام خمینی، مدرسه علمیه امام خمینی و کتابخانه آن همت گماشت و گروه بسیاری از فضلا را پرورش داد.

برخی از تألیفات چاپ شده اش عبارتند از:

۱. آثار الصادقین (۳۳ جلد با حدود پنجاه هزار حدیث با ترجمه فارسی)؛
۲. خوارج و علل پیدایش آن (۳ جلد)؛
۳. نقش دین در خانواده (۲ جلد)؛
۴. سی گفتار در ماه رمضان (۲ جلد)؛
۵. فتنه یهود (تفسیر سوره احزاب)؛
۶. قیامت از نظر قرآن و حدیث (تفسیر سوره قیامت)؛
۷. تفسیر سوره نحل؛
۸. تفسیر سوره اسراء؛
۹. شاگردان شیخ انصاری از گیلان؛
- تألیفات چاپ نشده اش عبارتند از:
۱۰. تفسیر سوره کهف؛
۱۱. تفسیر سوره فرقان؛
۱۲. تفسیر سوره مریم؛
۱۳. تفسیر سوره شعراء؛
۱۴. تفسیر سوره نمل؛
۱۵. تفسیر سوره قصص؛
۱۶. تفسیر سوره عنکبوت؛
۱۷. تفسیر سوره یس؛
۱۸. تفسیر سوره مرسلات؛
۱۹. گورباچف در سنگلاخ (علل ظهور و سقوط کمونیسم)؛
۲۰. خاطرات من؛
۲۱. فرزندان گیلان؛
۲۲. مستدرک آثار الصادقین؛

سرانجام آن عالم بزرگ و خدمتگذار دین، پس از یک بیماری در روز دوشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۸۰ ش (۱۱ ربیع الاول ۱۴۲۲ ق) در ۷۰ سالگی، چشم از جهان فرو بست. با اعلام خبر وفاتش، در استان گیلان عزای عمومی اعلام شد و از سوی مقام معظم رهبری و مراجع تقلید و سران قوای سه گانه، پیام های تسلیت صادر شد و در روز چهارشنبه، پیکر پاکش با حضور صدها هزار نفر تشییع و پس از نماز آیه الله محمدی گیلانی بر آن، در مسجد مصلی امام خمینی رشت به خاک سپرده شد.

*

حجة الاسلام رضوی



حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدامین رضوی، یکی از علمای ارومیه به شمار می رفت. فقید سعید در دوم شعبان المعظم ۱۳۴۴ ق در بخش «سلدوز» -از توابع ارومیه- زاده شد. پدرش شیخ عباسقلی رضوی از دانش آموختگان نجف و جدش مرحوم حجة الاسلام شیخ رضا قلی از شاگردان آیه الله میرزا احمد تبریزی -محدثی شرح لمعه- و آیه الله شیخ محمدحسن مجتهد ارموی، و متبحر در ادبیات، هیأت و تقویم و زیج شناسی، و مطلع از فقه و اصول و ریاضیات بوده است.

فقید سعید در پانزده سالگی (۱۳۵۹ ق) به تحصیل ادبیات نزد پدرش پرداخت و در ۱۳۶۱ ق به حوزه علمیه قم آمد و در درس های سطوح اساتید وقت و پس از آن در درس فقه و اصول آیه الله بروجردی و درس فلسفه (اسفار و شرح منظومه) مرحوم علامه طباطبایی شرکت کرد و مبانی علمی اش را

استوار ساخت. در ۱۳۷۲ ق به ارومیه باز آمد و به خدمات دینی، مانند وعظ و تبلیغ، تألیف، تفسیر قرآن و تدریس پرداخت و تا سال ۱۳۹۰ ق به طول انجامید. در این سال به تهران مهاجرت کرد و به ادامه تألیفات خویش و تبلیغ دین پرداخت.

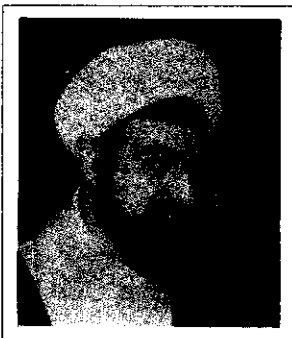
وی، عالمی با خلُق و خوی خوش، متواضع و ساده زیست و قانع بود که در کتاب هایش در پی حل مشکلات فکری نسل جوان بود.

برخی از کتاب های وی عبارتند از:

۱. آغاز و انجام جهان؛
 ۲. تجسم عمل یا تبدیل نیرو به ماده؛
 ۳. احادیث منتخبه از روضه کافی؛
 ۴. ساختمان آینده انسان؛
 ۵. پیدایش انسان؛
 ۶. حل شبهه آکل و مأکول؛
- آن مرحوم، در ۷۷ سالگی در روز دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۰ ش (۱۳ صفر ۱۴۲۲ ق) بدرود حیات گفت و پیکرش را در روز سه شنبه به قم انتقال دادند و پس از تشییع شایسته و نماز به خاک سپرده شد.

*

حجة الاسلام دشتی



استاد فرهیخته حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد دشتی، یکی از نویسندگان بنام حوزه علمیه قم بود. وی در سال ۱۳۳۰ ش (۱۳۷۰ ق) در روستای «آزادمون» از توابع محمودآباد مازندران به دنیا آمد و پس از یادگیری تحصیلات ابتدایی، به فراگیری علوم دینی روی آورد. نخست در آمل و سپس در سال ۱۳۴۳ ش در حوزه علمیه قم (مدرسه رضویه) سطوح عالی را فراگرفت و در سال

- ۱۳۵۰ ش به درس خارج فقه و اصول
حضرات آیات: میرزا هاشم آملی، مکارم
شیرازی، جوادی آملی و مشکینی اردبیلی
حاضر شد و مبانی حکمت و فلسفه را هم از
حضرات آیات: جوادی آملی و محمدی
گیلانی (اسفار)، حسن زاده آملی (اشارات)
و حقی سرابی (شرح منظومه) و روش
نویستگی را نیز در جلسات درس آیه الله
جعفر سبحانی و شهید مفتاح آموخت و پس از
آن به تألیف و تدریس و تحقیق روی آورد. او
زمانی چند، امام جمعه سمیرم و استاد مدعو
دانشگاه‌ها و مسؤول واحد تحقیقات بنیاد
نهج البلاغه بود و در سال ۱۳۶۷ ش، مؤسسه
تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع) را بنیاد نهاد و با
کمک گروهی از محققان، کتاب‌های ذیل را
فراهم آورد:
۱. ترجمه نهج البلاغه
 ۲. المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه
(با همکاری: سید کاظم محمدی)
 ۳. فرهنگ واژه‌های نهج البلاغه
 ۴. فرهنگ موضوعات کلی نهج البلاغه
 ۵. فرهنگ معارف نهج البلاغه (۲ ج)
 ۶. شناخت نهج البلاغه
۷. اطلاعات مقدماتی نهج البلاغه
 ۸. اسناد و مدارک نهج البلاغه
 ۹. کلیدهای شناسایی نهج البلاغه
 ۱۰. روش‌های تحقیق در نهج البلاغه
 ۱۱. طرح‌های آموزشی نهج البلاغه
 ۱۲. روایات و محدثین نهج البلاغه
 ۱۳. فهرست شروح نهج البلاغه
 ۱۴. اصول پنجگانه اعتقادی در نهج البلاغه
 ۱۵. اخلاق در نهج البلاغه (جزوات
آموزشی، ویژه دانش‌آموزان مقطع راهنمایی
و دبیرستان)
 ۱۶. اخلاق نظامی در نهج البلاغه
 ۱۷. مسئولیت تربیت
 ۱۸. مسأله تربیت
 ۱۹. عقائد اسلامی
 ۲۰. فلسفه اجتهاد و تقلید
 ۲۱. سیری در تفکر مادی
 ۲۲. مذهب روشنفکری
 ۲۳. ابزار و وسائل تحقیق
 ۲۴. جهان‌بینی توحیدی
 ۲۵. کدام اسلام
 ۲۶. طرح عقائد و احکام
 ۲۷. روش نوینی در تدریس احکام
۲۸. روش بررسی مکتب‌ها
۲۹. طرح‌های نوین آموزشی
۳۰. فرهنگ سخنان معصومین (۱۵ ج)
۳۱. تحلیل تاریخ سیاسی معصومین (۱۴ ج)
۳۲. سیره امام علی (ع) (۱۵ ج)
۳۳. امام علی (ع) الگوی کامل انسانیت
- آن مرحوم، پس از پیروزی انقلاب
اسلامی یکسره به تلاش و کوشش در راه
احیای شعائر دینی پرداخت و همواره به تبلیغ
دین در شهرهای مختلف کشور و تدریس در
نهادهای انقلابی و دانشگاه‌ها و سخنرانی در
صدا و سیما پرداخت و عاقبت در بازگشت از
سفر تبلیغی خویش از کاشان، در تاریخ
۵ اردیبهشت ۱۳۸۰ دچار سانحه تصادف
گردید و پس از گذشت ده روز در روز شنبه
۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۰ (۱۱ صفر ۱۴۲۲ ق) در
۵۰ سالگی بدرود حیات گفت و صبح روز
یکشنبه، پیکر پاکش تشییع و پس از نماز
آیه الله حسن زاده آملی بر آن، در صحن حرم
مطهر حضرت فاطمه معصومه - سلام الله
علیها - به خاک سپرده شد.
- ناصرالدین انصاری

فرهنگی

همایش بزرگداشت هزارمین سال

درگذشت ابوعلی مسکویه رازی

همایش بزرگداشت هزارمین سال
درگذشت ابوعلی مسکویه رازی مورخ و
فیلسوف بزرگ ایرانی روز پنج‌شنبه چهارم
اسفند ۷۹ با همت پژوهشکده حوزه و
دانشگاه و انجمن تاریخ پژوهان حوزه علمی
قم و همکاری مؤسسه آموزشی و پژوهشی
امام خمینی (ره) در قم برگزار شد. در این
همایش یک‌روزه که با هدف تبیین شخصیت
مسکویه رازی و بررسی نقش وی در گسترش
فرهنگ دینی برپا شد، صاحب‌نظران به بررسی
اندیشه‌های این دانشمند ایرانی پرداختند.
بحث در خصوص دیدگاه‌های فلسفی،

اخلاقی، سیاسی و تاریخی مسکویه و طرح
کلیاتی از آثار مشهور دانشمند ایرانی از جمله
برنامه‌های همایش بود و سه تن از
صاحب‌نظران در این زمینه سخنرانی کردند.

دکتر فصیحی زاده اولین سخنران این
همایش بود که بحث خود را در زمینه اخلاق و
حکمت عملی در نزد مسکویه با عنوان
«سعادت و شقاوت» مطرح کرد. وی گفت:
این که نام این شخصیت چیست، چندان
اهمیتی ندارد، بلکه باید بیش تر به ابعاد
شخصیت وی توجه شود تا در زمینه اخلاق،
تعلیم و تربیت و تاریخ درس‌هایی برای
سیاست‌گذاری در دوران معاصر بگیریم،
ضمن آن که شخصیت‌های بزرگ این مرز و

بوم را نیز معرفی می‌کنیم.

دکتر فصیحی زاده گفت: به اعتقاد
مسکویه، انسان برای رسیدن به سعادت باید
چند شرط را رعایت کند: حریص و بانشاط
باشد؛ علوم یقینی و معارف حقیقی را
تحصیل کند؛ دارای حیا و شرم از جهل و
نواقص عقلی باشد و به ملازمت فضائل و
کوشش دائمی برای ترقی در حد توان بپردازد
و همه قوای خود را در این زمینه به کار گیرد.
در ادامه این جلسه دکتر ابوالقاسم امامی
سخناتی در خصوص روند کشف نسخ و احیا
و چاپ آثار مسکویه ارائه کرد. وی گفت:
مسکویه دارای خصوصیات شخصیتی
منحصر به فردی بوده است. او بعد از وداع با